

«تاثرات حافظ از قرآن»

پژوهش‌الله قوچانی

رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفکروا قولی
خدایا بنام تو آغاز سخن میکنم واذکرم ولطف و رحمت تو باری میجویم
ای خدای پاچک دبی انبار ویبار دستگیر و جرم ما را در گذار
گر خطا گوبم تو اصلاحش بکن مصلحی توای تو سلطان سخن
(متنوی مولوی)

چند سال پیش با شاره دانشمندی محترم شرح و تفسیری عرفانی بیک غزل
شور زالگیز حافظ شیراز که بمطلع :
در خرابلت مغان نور خدا می‌ینم وین عجب یعن که چه نوری فر کجا می‌ینم
شروع می‌شود نوشتم و با مختصر شرح حل و تحقیقی که در صنایع بدیعه دیوان
برفتوحش کردم در هم آمیخته بخدمتش تقدیم داشتم و در صفحه ۵۵ آن رساله
کوچک با آوردن مجمل نمونه‌ای وعده کرده بودم که در نظر دارم بمختص حصول
امکان و فرصت باستخراج تلمیحات و اشارات قرآنی خواجه ادب پردازم مخوب شنخناه
این کارل دی بسیار خرد را بین عنایت مواد توجه قرار دادند و نیک بتمجید و تحمیلش
برداختند و مصراً از ناجیز خواستند که عهد خود را وفاکنم و وده خود را بجای آرم

این ابراز لطفها و اظهار محبت‌های بی‌شایبه آن عزیز بزرگوار و تشویق و ترغیب و هر های لطف آمیز دیگر دوستان فاضل و دانشمند که بر کم و کیف آن و جیزه خطی اطلاع داشته‌ند هر ادر کار آدامه مطالعه و تحقیق استوارتر ساخت و موجب دلیری و دلگرمیم گردید تصمیم گرفتم که به موازات مطالعات خود قام برگیرم و بتنه و تدارک یادداشت‌ها پیردازم تا آنجا که در عرض هدتی کوتاه بترقیم^۵ رساله مختصر توفیق حاصل شد که به ترتیب عبارتند از :

- ۱ - شرح غزلی از حافظ با مختصر شرح و تحقیقی در دیوان پر فتوحش .
- ۲ - شرح و حل مشکلات اشعار مقدمه منطق الطیر واستخراج تلمیحات قرآنی وحدیشی آن
- ۳ - استخراج برخی از اصطلاحات و ترکیبات لفظی غزلیات سعدی شیراز
- ۴ - یادداشت‌های در مسأله جبر و تفویض از نظر جلال الدین مولوی
- ۵ - تأثیرات حافظ از قرآن مجید

رساله اخیر را بعنوان پایان‌نامه دوره تحصیلات عالیم نگاشتم که هم اکنون مجمل و ملخصی از آن بنظر تیزین خوانندگان گرامی میرسد و از کیفیت تنظیم و تنسيق آن با شما صاحب نظران دانشمند و صاحب‌دلان ارجمند بحث میرود.

چنانچه استحضار حاصل شد در رساله نخست و عده کرده بودم که در استخراج تلمیحات قرآنی دیوان عشق بیز خواجه ادب بکوشم و دوستان دانشمند و یاران صاحب‌دل نیز نگارنده را بادامه کار تشویق و ترغیب می‌کردند مدت‌ها در این اندیشه بودم که آیا خواهم توانست بانجام و انجاز این عده بزرگ پیردازم ؟ و این سخن را جامه عمل بتن سازم ؟ تا این‌که توفیق و عنایت رب‌انی ذات حق جل جلاله شامل حال گردید و عشقی انجام آن بدلم شورید کمره‌مت بر میان بستم و از الطاف بی‌کران حضرت حق یاری و مدد جستم و دست بتدارک یادداشت‌ها و ترتیب آنها یازیدم .

بیشتر از شش ماه در تهیه این رساله و تنظیم مطالب نا بسامان واوراق یریشش روزگار گذاردم و آنی از مجهادت و کوشش و تحمل رنج و بی خوابی نیاسودم و از پای نشستم راستش را بخواهید بالینکه شاید بیشتر از ۱۸ سال بود که بادیوان لسان الغیب آشنای داشتم ولا اقل گه گاهی بعنوان تفال واستشارت واستخاره آنرا بازمیکردم و راز درون دل را از آن پاسخ مناسبی می یافتم و می شنیدم و نیز ظاهرآ بیش از ۲۶ سال بود که با کتاب مقدس و معجزه آسای قران هائوس و مالوف بودم و برای تسکین دل دردمند خویش بآیات باهره و شریفه اش استمساك می جستم و دست کم هر سال دوبار تمام آنرا می خواندم و می خوانم وقتی بتهیه مسوده رساله خود شروع میکرم ابتدا تصور می نمودم که شاید بیشتر از صد بیت دویست بیت در تمام دیوان دل انگیز خواجه نخواهم یافت که در آنها تلمیحی از قران بکار رفته باشد و پیش خود تاسف می خوردم که تمام این رساله بیش از ۵۰ یا صد صفحه نخواهد بود بقول خواجه عزیز :

چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود ندانستم که این دریاچه موج خونه شان دارد بس از شروع بکار باهمیت کار خود و بیزدگی وعده که داده بودم بی بردم و دریافتم که تصادفاً در تمام ایات دلنشین دیوان شورانگیز خواجه ادب کمتر بیت و غزلی پیدا می شود و شاید تعداد آن از شماره انگشتان دست کمتر است که تأثیری از قران مجید نداشته باشد .

حق نیز همین است که دیوان خواجه پراز تلمیحات و اشارات لطیف قرآنی باشد زیرا خواجه عزیز که بمناسبت از برداشتن قران عظیم بحافظت تخلص کرده و آن کتاب معجزه آسا و مبارک را بقول خود در چهارده روایت از حفظ داشته :

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ قران ذبر بخوانی در چارده روایت بقدرتی افکار بلند و اندیشه لطیفیش در خلال آیات باهره و عبارات روح بخش

آن محصور و محدود و محااط بوده که اصولاً نمی‌توانسته بهنگام سرودن غزل و تقریر هیجانات ضمیر منیر و بیان احساسات زیبای خود از تحت تأثیر آن درآید و احیاناً سخنی گوید که اثری از معلومات قرآنی خود در آن نداشته باشد و بوئی از آن کان و کانون عطر فرح بخش بمشام جان و دل اهل نظر و صاحبان دل نرساند و روان تشهیه کام خداوندان معرفت وارباب عشق و بصیرت را از آن چشم‌هه زلال خیز و عین الحیات سیراب نسازد راستی ده اثر رسوخ و نفود معنوی کلام دلنشیں و دلنشان ربانی است که «شعر حافظه همه بیت الغزل معرفتست» ازین سخن برغم هیل خود می‌گذرد و ادای حق مطلب را آنچنان که توانم نه آنچنان که هست بوقت دیگر هوکول می‌کنم سخن درین میرفت که هن بنده باهمیت و بزرگی کار خود چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت پی بردم ولازم دیدم که در این کار هرچه بیشتر دقیق شوم و کاری هرتب و منظم انجام داده و پیش روم و تا سرحد امکان و هر ز توانائی خود نگذارم موضوعی از نظر فوت شود و دقیقه و نکته‌ای از باد رود تاغایت مقصود و نهایت هنوز بحال آید اساس کار خود را بر روی دیوار مصحح بوسیله هر حومین علامه قزوینی و دکتر غنی قرار دادم از نخستین بیت آن شروع کردم و دیدم که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها، به رحال بیت آنرا مورد بررسی کامل و دقیق نهادم و هر جا که بوئی از رایحه آیات کریمه هی بردم بشماره صفحه و غزل و بیت در مسوده یادداشت می‌کردم و پس از مختصر توجیه و توضیحی که بتواند خواسته را در درک مفهوم بیت روشن نماید آیتی را که از آن اشاره رفته است بشماره آیه شریفه و سوره مبارکه ثبت و ضبط نمودم و برای اینکه در استخراج اختیار آنها دچار اشتباه و سهو و خطأ نشوم با مطالعات چندساله که داشتم و قبل با استحضار رسید تأثیرات خواجه را از قرآن طبقه‌بندی نموده و پیش‌ج دسته‌ تقسیم کردم بر تبییکه هم اکنون از نظر تبیین شما خواهند گان داشتمند می‌گذرد

- ۱ - تأثیرات لفظی ۲ - تأثیرات لفظی و مفهومی ۳ - تأثیرات مفهومی ۴ - تأثیرات شبہ مفهومی ۵ - تأثیرات کلی و اینک برای هر یک از تقسیمات مدار الذکر با

مختصر توضیحی مثال و نمونه می‌آورم و شما صاحبینظران را با ملخص و مجملی از اوراق پریشان و کار نابسامان در ساله و جیزه خود آشنایی سازم چشم آن دارم که بین عنایت و لطف نظر کنید و از تقصیر و لغزشی که در تهیه و تدارک آن واژه‌ها و نسیانی که در تنسيق عبارات و تنظیمش بکار رفته بدیده جوانمردی و بزرگواری نگریسته و غمض عین فرمایید و اگر در راه اصلاح‌تر نظراتی دارید از راه لطف و کرم بنقدش پردازید (زیرا بنص صریح کتاب گلستان قائله سالار ادب و سخن سعدی شیراز متكلّم را تاکسی عیب نگیرد سخن اصلاح نپذیرد) و حقیر بی‌مایه را بیاگاهانپد و بالتفقاد خود بر من بنده هنری عظیم نهید تا انشاء الله اگر امکان چاپ آن پیش آید از نظرات صاحبدلان صاحب کمال فایدتی گیرم و از راهنمایی‌شان بهره بردارم و در اصلاح و تجدید نظرش بصارتی یا بم زیرا قدر مسلم اینست که هر نوشتۀ دارای نفائض و معایبی است که تامدتی بر نگارنده اش واضح و هویدا نیست بخصوص هنگامی که نویسنده اش در گل نوشتن خام و مبتده باشد - باری باصل سخن بر گردم گفتار ما در آن بود که برای معرفی رساله خود نمونه و مثالی از تأثیرات پنجگانه یاد شده بیاورم :

اول تأثیرات لفظی - آن نوع تلمیحات را نام گذاری شده که از مفهوم کلی بیت بنظر می‌سد که خواجه در آوردن آن لفظ و کلمه و در طرز بکار بردن از قرآن مجید متأثر است و اگر هیچ‌خواستم تمام الفاظی را که عربی است و در قرآن بزرگوار و اشعار حافظه موجود است هلاک عمل قرار داده و تکیه بر روی آن کنم گمان هیروند که کار بیهوده می‌بود زیرا خوانندگان حق داشتند که پیش خود بیندیشند از کجا معلوم که خواجه از زبان تازی اقتباس نکرده و از قرآن متأثر شده است و اینک چند نمونه درین قسمت عیناً از رساله موجود می‌آورم :

[صفحه ۸ غزل ۹ بیت ۱۰]

حافظا می‌خوردند کن و خوش باش ولی دام تزو پر مکن چون دگران قرآن را

خواجه عزیز درین بیت اشارتی لطیف میکند باینکه خود معتقد قران
قدس بوده و آیات حکمت بار آنرا از ته دل وصمیم قلب ایمان دارد وای بسابتلاوتش
می پردازد و مورد بحث و تدقیقش قرار میدهد خطاب بخویشن می گوید که تو باید
بادیگران این فرق بزرگ را داشته باشی که قران دانی و قران خوانی را همچون
ریاکاران خدا نشناس و سیله تزویر قرار ندهی و بتظاهر وعوام فربی و مالوس نه پردازی
ناظر بدین مضمون اشعار و آیات دلربای دیگری نیز در سراسر دیوان می آورد که
بموقع خود از آنها بیاد خواهیم کرد نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۰ بیت ۵]

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیرها
خواجه عاشق پیشه درین بیت با آوردن کلمات آیه و تفسیر مسلمان از معلومات
قرآنی خود متاثر شده است - نقل از صفحه ۱۲ رساله]

[صفحه ۲۶ غزل ۳۶ بیت ۴]

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار چیست طاؤس که در باغ نعیم افتادست
خواجه ادب زلف محبوب خود را بطاوی که در بهشت روی دوست بخر امیدن
و چریدن و تنعم و گشتن هشغول است تشییه می کند و خواننده دیوان پرفتوحش را
بنوی و عشق درمی آورد و دلهای حساس و عاشق پیشه را بنظره و تماشا در آن روی
ورخسار بهشت آساوا میدارد و آنان را بیاد آیه شریفه ۱۰۷ سوره مبارکه کهف و
آیه ۱۱ سوره شریفه المؤمنون می اندازد «ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات كانت
لهم جنات الفردوس نزلاء آیه ۱۱ مؤمنون «الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون»
و نیز آیه شریفه ۸۸ از سوره مبارکه واقعه بیاد می افتد : «فِرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ»

نقل از صفحه ۳۶ - ۳۵ رساله]

(صفحه ۸ غزل ۱۰ بیت ۲)

ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون روی سوی خانه خمار دارد پیر ما
 حافظ عشم ند و آرزومند وصال دوست درین بیت و بیت ما قبل آن که مطلع
 غزل است : «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یـاران طریقت بعد از
 این تدبیر ما» اشاره بهستان معروف و مشهور شیخ صنعت علاؤه بر سایر منابع و مآخذ بکتاب
 می‌تواند برای اطلاع و آگاهی از دستان شیخ صنعت علاؤه بر سایر منابع و مآخذ بکتاب
 منطق الطیب شیخ عطار چاپ مطبوعه جبل المتنین صفحه ۷۰ هراجعه فرماید) وی در آوردن
 کلمه قبله از قرآن مجید مخصوصاً آیه شریفه ۱۳۹ سوره مبارکه بقره هتأثر است
 آنجاکه فرماید : «قد نری تقلب وجهك فی السماء فلنوا لینک قبیله ترضیها فول وجهك
 شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره وان الذين اتوا الكتاب
 ليعلمون انه الحق من ربهم وما لله بغافل عمما يعملون»

[نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۱۲ غزل ۳۰ بیت ۷]

حافظه آنکه عشق نور زید وصل خواست احرام طوف کعبه دل بی وضو ببست
 خواجه ادب می فرماید «ناهبرده رنج گنج میسر نمیشود» بی زحمت و تحمل
 رنج عشق بوصال حضرت دوست رسیدن امکان ندارد و مثل کسی که بدون تحمل
 بارگران عشق و بدون ابتلاء به مشکلات طریقت انتظار وصال را دارد مثل کسی است
 که بی وضو و طهارت بطواف کعبه پردازد که اجرش ضایع و عملش غیر مأجور است
 وی در آوردن این تمثیل ظاهرآ از آیه شریفه ۳۰ سوره مبارکه الحج هتأثر شده است
 «نم ليقضوا تفهم ولیوفوا نذورهم ولیطوفوا بالبيت العتيق» و نیز درباره کلمه احرام
 آیات شریفه ۹۶، ۹۷ سوره مبارکه هائده هراجعه فرماید که فرمود : «يـالـيـهـاـالـذـيـنـ
 آهـنـواـلـاـ تـقـتـلـواـ اـنـصـيـدـ وـاـنـتـمـ حـرـمـ وـمـنـ قـتـلـهـ هـنـكـمـ هـتـعـمـدـاـ فـيـجـرـاءـ مـثـلـ ماـ قـتـلـ مـنـ النـعـمـ
 يـحـكـمـ بـهـ ذـوـاـ عـدـلـ هـدـيـاـ بـالـغـ الـكـعـبـهـ اوـ كـفـارـةـ طـعـامـ مـساـكـينـ اوـ عـدـلـ ذـلـكـ صـيـامـاـ

لیدوق و بال امره عفای اللہ عما سلف و من عاد فینتقم اللہ منه و اللہ عزیز ذواتقام» «احل لكم صیدالبحر و طعامه متاعاً لكم وللمسیارة و حرم عليکم صیدالبر ما ذمتم حرماً و اتفوا اللہ الذی الیه تحشرون» و راجع بكلمه وضو بصفحه ۱۸ غزل ۲۴ بیت ۲ مراجعته شود
[نقل از صفحه ۳۱ رساله]

[صفحه ۵۴ غزل ۷۷ بیت ۸]

چشم حافظ ازیر با مقصراً آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
حافظ عزیز علو طبع و همت بلند خود را حتی در خلال تشییهات واستعارات
لفظی و معنوی هم بخواننده ارجمندش ارائه میدهد وی عاشق کریم النفس عالی همتی
است که در عین اینکه مقام معشوق را بالا می برد دوشادوش آن رتبه عاشق را نیز
ترقی میدهد او بر عکس دیگران در مقابل معشوق و در برابر محبوب خود را بذات و
خواری نسبت نمی دهد و بپستی نمی گراید بلکه می کوشد همچنان که محبوب را
می ستاید خود را نیز باک و بی آلایش و عالی جلوه دهد چه تشییه زیبادر و بلیغتر
برای چشم گریان در فراق یار ازین شعر خواجه تو ان یافت در موضوع تأثر خواجه با آیه
شریفه ۱۰۱ سوره مبارکه توبه مراجعته فرمائید که فرهود : «السابقون الاولون من
من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسنان رضي الله عنهم ورضوا عنه واعد
لهم جنات تجری تحتها الانهار خالدين فيما ابدا ذلك الفوز العظيم»

[نقل از صفحه ۷۲ رساله]

دوم تأثرات لفظی و مفهومی - درین قسمت از اشعاری بحث می شود که مفاهیم ایات
با مفاهیم آیات شریفه قرآن یکی بوده و از الفاظ و کلمات مبارکه آیات حکیمه هم در خلال
عبارت ایات آورده شده است بعنوان نمونه چند فقره از آنها را عیناً می آوریم :

[صفحه ۱۳ غزل ۱۵ بیت ۷]

دوراست سرآب ازین بادیه هندار تاغ-ول بیابان نفرید بسرابت

خواجه زندعاشق پیشه از گمراهی دردشت غم انگیز عشق میترسد و خواننده باذوق خود را نیز از خطر گمراهی درین بادیه هی ترساند و آگاه می سازد و می کوید تا وصول بسرچشمہ وصال راهی بلند درپیش است و حرامیان در کمین مبادا که غول بیابان پر خطر عشق و دبو آزهند نفس دست بدست هم دهنده و در اضلالت بکوشند تا بر خود بیالی و گمان کنی که عملی عاشق وار بجا آورده و بر کردار و عمل خود غره شوی و آنرا بچیزی شماری و در خود حضرتش پنداری درین صورت مثل تو همچون مثل آن کافر باشد که قران بزرگوار در حقش فرماید : آیه ۳۹ سوره مبارکه نور «والذین كفروا اعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمان ماء حتى اذا جاءه ام يجده شيئاً و وجد الله عند فوفيه والله سريع الحساب» کلمه سراب دوبار در قران مجید آمده بیکبار هم در آیه شریفه ۲۰ سوره مبارکه النباء گرچه مربوط بموضع بحث نیست برای هزید فایدت می آورم : «وسيرت الجبال فكان سراباً»

[صفحه ۱۵ غزل ۱۹ بیت ۲]

شب تاراست وزه وادی ایمن درپیش آتش طور کجا موعد دیدار کجاست حافظ عزیز در بیابان بالاخیز محبت و عشق راه وادی وصال را درپیش می بیند و دل بآتش شوق وصال دوست که بزودی بآن خواهد رسید روشن و خوش می سازد و با بیت شیوا و نظر خود ما را بیاد آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه طه می اندازد : «انی اناربک فاخلم نعلیک انك بالواد المقدس طوى» و نیز آیه ۳۰ از سوره مبارکه قصر : «فلما اتیها نودی من شاطئي الواد الايمان في البقعه المباركة من شجرة ان ياموسی انی انالله رب العالمین»

[نقل از صفحه ۱۹ رساله]

[صفحه ۱۵ غزل ۹۴ بیت ۶]

درین شب میاهم گم گشت راه مقصود از گوشة برون آی ای کوکب هدایت

خواجه عشقمند و آرزومند وصال دوست درین بیت ونگز ولطیف مخصوصاً با آوردن «کوکب هدایت» حال خود را در طی طریق معرفت و محبت بحال حضرت ابراهیم علی نبینا و علیہ السلام تشییه میکند و می گوید از خدا می طلبم همچنانکه حضرت ابراهیم را بوسیله کوکبی بسوی خود هدایت فرمود هراهم دست گیرد و هدایتم فرماید قرآن مقدس در حال حضرت ابراهیم علیہ السلام در آیه شریفه ۷۶ سوره هبار که انعام می فرماید: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيلُ رَا كَوْكِبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلَئِنَ» آیات حکیمه بعدش مراجعه فرمائید تا چگونگی هدایت را دریابید و نیز آیه شریفه ۹۷ سوره هبار که انعام را شاید در نظر داشته است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجُومَ لَتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» درین صورت تأثر مفهومی محسوب می شود

[صفحه ۵۰ غزل ۷۱ بیت ۲]

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست در صراط مستقیم ایدل کسی گمراه نیست خواجه بزرگوار بر سر آنست که سالکین طریقت را یا آگاهاند که در طریق طلب باید از غم و رنج دم نزد و هر چه را که پیش می آید عین خوشی و کمال سعادت دانست چه طریقت عشق و آئین محبت و مذهب عرفان صراط مستقیم مطلوب است که منسلکین خود را با آسانترین و راحت ترین وجه بمحبوب میرساند و در تشییه طریقت بصر اط مستقیم از افکار بلند و عالی اسلام و اصطلاح قرآن عزیز متأثر است و خواننده را با آیه شریفه ۱۲۶ سوره هبار که انعام مذکور است: «وَهُذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ»

[صفحه ۶۳ غزل ۹۱ بیت ۴]

گربايدم شدن سوی هارون بابلی صد گونه جادوئی بکنم تا بیارم خواجه ادب در عشق دوست همیشه پایدار و برای وصول بیار بهر کاری هتشتبث

است و برای اینکه از وصال محبوب گریز باشد برخور دار شود حتی از توسل بجای دوئی هم ابا ندارد و بلکه دست یازیدن را خود بدین عمل منعی هم بالصراحة اذعان دارد او درین بیت اطیف اشاره به استان هاروت و ماروت می کند و ما را بیاد آیه شریفه ۹۶ سوره مبارکه بقره می اندازد: «وَاتَّبَعُوا مَا تَلَوَ الشَّيَاطِينَ عَلَى مُلَكِ سَلِيمَانَ وَمَا كَفَرَ سَلِيمَانَ وَلَكِنَ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ سُحْرٌ وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْأَنْكَابِينَ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمُنَّ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولُوا إِنَّمَا نَحْنُ فَتَنَّهُ وَلَا تَكْفُرُ فَيَعْلَمُونَ مِنْهُمَا مَا يَفْرُّ قُولُ بَيْنَ الْمَرْءَ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِمْ إِنَّمَا يَعْلَمُونَ هَا يَضْرُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لِمَنْ اشْتَرَيْهِ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ هُنْ خَلَاقٌ وَلِبَسْ هَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
نقل از صفحه ۸۴ رساله

[صفحه ۷۴ غزل ۱۰۸ بیت ۵]

نه بتنها حیوانات و نباتات و جماد هرچه در عالم امرست بفرمان تو باد خواجه ادب و حافظ عشقمند درین بیت آرزوی دل پر عشق خود را که تنها برای خاطر معاشق در سینه نودانیش می طپدیان می کند و می گوید آرزویم اینست که نه تنها موالید سه گانه در تجت امر تو باشند بلکه تمام آنچه که در عالم امکان و جهان امر وجود دارد در زیر فرهان تو باشد وی در آوردن عالم امر ظاهر از آیه شریفه ۸۷ سوره مبارکه اسراء متاثر است «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قَلِ الْرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أَوْتَتِمْ مِنَ الْعِلْمِ الْأَقْلَيَلَهُ وَنَزَّلَ آیه ۸۲ سوره مبارکه یعنی «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا إِنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» و توضیحًا باید اضافه کرد که عالم امر در عرف دیر مقدس

اسلام مصطلح و معروف است
نقل از صفحه ۹۱ رساله

[صفحه ۸۱ غزل ۱۱۹ بیت ۶]

زسر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان کدام محرم دل ره درین حرم دارد حافظ عزیز درین بیت دل آنگیز خود می گوید که کسی با اراده غیب آگاهی ندارد و از پس پرده غیب خبردار نیست و کسی را بیارای ره داشتن درین حرم نباشد

وی در سرودن این بیت بلیغ از آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه النمل هتأثر است که فرمود «قل لا يعلم من في السموات والارض الغيب الا الله وما يشعرون» و آیه شریفه ۵۹ سوره همارکه انعام: «وعنده مفاتيح الغيب لا يعامتها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب [نقل از صفحه ۹۴ رساله] هبین»

سوم تأثرات مفهومی - آن چنان تأثرات را گفته شده است که مفهوم بیت با مفهوم یکی از آیات شریفه قران بزرگوار منطبق بوده باشد بعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها را عیناً نقل می‌کنم:

[صفحه ۲ غزل ۳ بیت ۵]

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشتم دانستم
 که عشق از پرده عصمت بسرون آرد زلیخا را
 لطف بیان وعدوبت سخن خواجه درین غزل تا حدی پیش رفته که از سرحد
 امکان سحر بیان هم در گذشته بی جهت نیست که در مقاطع غزا، خویش میگوید:
 «غزل گفتی و درستی بیا و خوش بخوان حافظ که بر نظم تو افشا ند فلک عقد ثریارا»
 خواجه رندوش بهنگام سرودن این بیت اطیف بیاد عشق و محبت دو عاشق و معشوق
 تاریخی افتاده و ازعجهز و التماس عاشق در برابر حسن روز افزون معشوق یعنی یوسف
 عزیز هصراندست می‌برد و آیات شریفه ۲۳-۲۴ سوره مبارکه یوسف را از خلال کلمات
 شیرین این بیت شیوا بخواننده عزیز خود بازگو می‌کند: «وراودته التي هو في
 بيته عن نفسه و غافت الابواب وقالت هيـت لك قال معاذ الله انه ربی احسن هنـوای انه
 لا يفلح الظالمون» «ولقد همت به وهم بها لولا ان رآ برہان ربی کـذاك لنصرف عنه
 السوء والفحشاء انه من عبادنا المخلصين» [نقل از صفحه ۳ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۱ بیت ۲]

هر گز نمیرودد آنکه داشت زده شد بعشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما خواجه ادب با بیانی شیوا و گفتاری زیبا ماجرای عاشقان و عاقبت کار عشق ورزان را درین بیت نفر بیان کرده و وعده میدهد که هر گز عفربیت و اهریمن وحشت ذای مرک یارای آنرا ندارد که بر پیکر عشاق و شوریدگان عشق حقیقی دست یابد ورشته حیات ناگستنی دلباختگان را قطع کند جه عشق واقعی و هر حقیقی آن سوز و شعله است که بر کانون دل گرم محبا ن پیوسته و مدام زبانه می کشد و آن آتشی نیست که گردش ایام و گذشت روزگار بتواند آنرا سرد کرده و بکشد وی این هزده و بشارت نوید بخش دا از آیه ۱۶۳ سوره شریفه آل عمران بدت آورده است آنجا که فرماید : « ولا تحسِّنَ الظِّيْنَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْ وَاتَّابُلَ أَحْيَاءً عِنْدَ رَبِّهِمْ [بر زقون، نقل از صفحه ۷ رساله]

[صفحه ۵ غزل ۵ بیت ۷]

در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند گرتونمی پسندی تغییر کن قضارا حافظ شیرین سخن خوش نامی و نیکنا می را که نتیجه حاصله قطعی و مسلم هدایت یافتن است بسته به مشیت حکیمانه و عادلانه پروردگار بزرگ دانسته و میفرهاید ورود بدین حرم مرا بهر کس و ناکس آزاد نکردندا اگر تو نهی پسندی و اگر هیتوانی قضارا تغییر کن و تقدیر را دگرگون گردان وی شاید بوقت سرودن این بیت بآیه شریفه ۵۶ سوره هبار که قصص نظر داشته است :

«إِنَّكَ لَا تَهْتَدِي مَنْ أَجْبَتْ وَلَكِنَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ »
[نقل از صفحه ۶-۷ رساله]

[صفحه ۶ غزل ۶ بیت ۷]

بخدا که جرعه ده تو به حافظ سحر خیز که دعای صحیحگاهی ازی کندشمارا خواجه سحر خیز است و شاید این سحر خیزی را از سر آمد عارفان جهان و مراد

دل عاشقان و شاه مردان حضرت امیر المؤمنان علیه السلام که فرمود «با کرتسعد»
بادگرفته است وی که عاشق جمال و کمال حضرت دوست است دعای صحنه‌گاهی
خود را مؤثر می‌داند و در مصراج دوم ظاهر آآیه ۸۰ سوره هبار که اسراء را بخطاطر
می‌آورد که فرمود :

«اقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل وقرآن الفجر ان قران الفجر كان
مشهوداً»
نقل از صفحه ۸ رساله

[صفحه ۸ عزل ۱۰ بیت ۹]

ماه کنعانی هن مسند مصر آن تو شد وقت آنست که بدرود کنی زندان را
حافظ بزرگوار عشوق وبا بقول بعضیها ممدوح خود را در زیبائی و کمال
بیوسف عزیز مصر که نمونه و نشانه زیبائی بوده و مثال اعلای حسن و دلبیری است
تشییه کرده است و قصه حضرت یوسف علی نبینا و علیه السلام را با جمال برگوش
دل شنوونده و خواننده خود فرو میخواند و آیات شریفه ۵۶-۵۵-۵۴-۵۰ سوره هبار که
یوسف را از قران مجید بیاد می‌آورد : «و قال الملك ائتونی به استخلصه لنفسی فلما
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين» «قال اجعلنى على خزائن الارض انى حفيظ
عليم» «و كذلك مكنا لیوسف في الارض يتبعوا منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء
ولا نصيغ اجر المحسنين»

[صفحه ۱۳ غزل ۱۶ بیت ۲]

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
خواجه نظر باز عاشق پیشه این همه انس والفت وبالآخره محبت و عشق ورزی
را که با عشوق شوخ شیرین کار خود دارد زائیده جهان مادی نمیداند و اساس
و بایه یکرنگی را در عالم بی رنگی که بزبان و عرف ادیان عالم استثن خوانند می‌جوید
و میدانند و بمعشوق فتنش بزبان حال می‌گوید :

«اینهمه مهر و فائی که میان من و تست
یاخود آوردم از آنجانه بخود بربستم»
و در تالیف قلوب واژلی بودن آن مارا بیاد آیات شریفه آتی الذکر می‌اندازد که
فرمود: آیه شریفه ۱۷۱ سوره مبارکه اعراف «واذاخذ ربک من بنی آدم من
ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم السُّتْ بِرَبِّکُمْ قَالُوا بَلِّی شَهَدْنَا اَنْ تَقُولُوا يَوْمَ
القيمة انا کنا عن هذا غافلين» و نیز شاید آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال را نظر داشته
است: «واللَّفِي بَيْنِ قُلُوبِهِمْ لَوْا نَفْقَةً مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَفْلَتْ بَيْنِ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
الَّذِي يَعْلَمُ أَنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و آیه ۹۸ سوره مبارکه آل عمران را توجه فرماید

[نقل از صفحه ۱۶ رساله]

چهارم تأثیرات شبہ مفهومی - آن نوع تأثیراتی را نام‌گذاری شده است که
مفهوم بیت با مفهوم یکی از آیات کریمهه قرآن مجید تشییه حاصل کرده و بی‌لااقل
احتمال چنین تأثیری داده شود بعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها عیناً یاد می‌شود:

[صفحه ۲ غزل ۲ بیت ۳]

چه نسبتست برندی صلاح و تقوی را سماع و عظ کجا نغمه رباب کجا
حافظ عزیز و بزرگوار درین بیت شیوا و شیرین خود مقایسه پرداخته رندی
وصلاح و تقوی را در میزان عدالت شعار آفرینش بردو کفه بر ابرهم می‌گذارد و بذوق
سلیم و طبع عاشق وش خویش آنها را بمقیاس عشق توزین می‌کند و سماع و عظ و
نغمه رباب را بادل پراز عشق و محبت خود از هم جدا می‌سازد و شاید بالاتکاء بر حمت
پروردگار جهان رندی و نغمه رباب را بر آندیگریها امتیاز هیدهد و مسلمان صلاح و
تقوی و عظ آمیخته بريا و مزورانه را در برابر رندی و نغمه هر بیز رباب ساخت
ناجیز و پست می‌شمارد و اظهار بی‌زاری و نفرت از آنگونه تظاهرات و عوام فریبی ها
می‌کند از نظر مقایسه شاید آیه شریفه ۱۷ سوره مبارکه رعد را در نظر داشته که
فرماید: «هل یستوی الاعمى وال بصیرام هل تستوی الظلمات والنور» و نیز آیه شریفه

۳۴ سوره مبارکه فصات «الاتستوی الحسنة ولا السیئة ادفع بالتی هی احسن» و مخصوصاً با توجه باینکه خواجه در استعمال لغات والفاظ فرق عادت گذشتگان را کرده و در بکار برد آنها اطلاق عنادی بخراج میدهد بدین معنی که مرادش از کلمه «رندي» پاکدامنی و شرافت و منظورش از صلاح و تقوی ریاکاری و قزویراست شاید درین مقایسه آیه شریفه ۱۸ سوره مبارکه مجده را در نظر داشته که هی فرماید «امن کان مومن کمن کان فاسقاً لا یستون» بهمن نزول و تفسیر آن مراجعه فرماید

نقل از صفحه ۲ رساله

[صفحه ۴۴ غزل ۶۳ بیت ۵]

عاشق که شد که بیار بحالش نظر نکرد از خواجه در دنیست و گزنه طبیب هست
حافظ بزرگوار شیرین سخن حقیقت در تأویل و توجیه آیات شریفه و معجزه آسای قرآن مقدس و عزیز اعجاز میکند تا جایی که خواننده با ذوق را دچار بہت وحیرت می نماید وی درین بیت شیوای خود با حنی خاص که از و فقط شایسته است بآیه پربشارت ومفرح ۱۸۲ سوره مبارکه بقره اشاره اطیف می کند و آنرا بخواننده پر ذوق خود القاء می نماید : «و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذادعن فلیستجبوا لی دلیؤمنوا بی لعلهم برشدون»

نقل از صفحه ۶۲ رساله

ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق هر عمل اجری و هر کرده جزائی دارد خواجه ادب بازبان عاشقانه و بایمان بیدلانه معشوق شوخ شیرین کار خود را بلطف و مهربانی ورزیدن دعوت می کند و می گوید که در مذهب عشق و آئین بلا بار محبت برای هر عمل اجری و برای هر کرده جزائی در پی و در کار است وی در سرودن مصraig دوم این بیت شیوا ظاهرا از آیه شریفه ۸۴ سوره مبارکه قصص متاثر است که فرمود : «من جاء بالحسنة فله خیر منها و من جاء بالسیئة فلا یجزی الذین

عملو السیّآت الا ما کانوا یعلمون»
[صفحه ۹۳ غزل ۱۶۲ بیت ۷]

مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست
حل این نکته بدین فکر خطأ توان کرد
خواجه رند و عاشق پیشه بالاین بیت شیوا و رسای خود بهمہ عالم وجهان
وجهانیان اعلام می فرماید که انسان با اینهمه قدرت و نیروئی که دارد و با اینهمه
ادعائی که در راه علم و دانش و هنر و معرفت بخود دارد باید اعتراف کند که حوصله
دانش بسیار تناک و کوچک است و کوچکتر از آنست که بتواند مشکل عظیم عشق
را بعلم و دانش مختصر خود حل نماید وی با سرودن این بیت هارا بیاد آید شریفه
امربی و ما او تیم هنر العلم الا قلیلاً
نقل از صفحه ۱۰۰ رساله]

(نوضیحًا عاروه می نماید که تأثیرات شبیه مفهومی بسیار کم بکار رفته است و
درک واستخراج آنها هم در خور کمان دقت و تدبیر است)

پنجم تأثیرات کلی - آن قسم تأثیراتی را نامیده شده است که مفهوم بیت
با افکار عالی و بی نظری قرآن و باعترف اسلامی کاملًا مطابقت دارد ولی برای تعیین
تأثیرات نمی توان یک آیه را منحصر و یا چند آیه را از یک سوره درین موضوع محل
تأثر نشان داد بلکه برای تعیین محل آن باید آیاتی مختلف از سوره قرآن را ذکر
کرد و سپس آنها را بهم تلقیق داد یعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها عیناً
آورده میشود :

[صفحه ۳۶ غزل ۵۱ آیات ۳-۴]

سار و ان رخت بدروازه مبر کان سر کو
شاه راهیست که منز اگه دلدار منست
بنده طالع خوبیشم که درین قحط وفا
عشق آن اولی سر هست خریدار منست
خواجه ادب در سرودن این دو بیت عشق بیز هسلماً از هیفوظات ذهنی خود

(که بیشتر آن از قرآن کریم است) متأثر گردیده است و بقدرتی در تأثرات قرآنی و مطالب عشقی و مفاهیم شاعرانه آمیختگی بکار برده که خواننده را در وله اول مجال و فرصت درک آن نمی‌دهد که بدایند خواجه عزیز در انشاء این دویست چهارم از قرآن بزرگوار کریم متأثر شده است ولی پس از امعان نظر دقیق و مطالعه توأم با هوشکافی و دقت عمیق در مطلب کاملاً مسائله روشن هی شود خواننده گرامی اگر داستان عشق انگیز و ماجرای حیرت آور و پر ذوق و جذبه حضرت یوسف علی نبینا علیہ السلام را در سوره شریفه یوسف که «احسن القصص» قرآن است بدققت خواننده باشد در خواهد یافت که حضرت یعقوب علیہ السلام بهنگام قحطی و غلا در کنعان فرزندان خود را که در معیت کاروانی برای اخذ و تحصیل غله و آذوقه شهر مصر می‌رفتند چگونه سپارش می‌کند که از یاک دروازه وارد شوند بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوند تا از چشم زخم مردم مصون هانند و از عزیز مصر درخواست کمک واستمداد نمایند و نیز در همان سوره شریفه می‌فرماید که وی همیشه و همه وقت درانتظار ورود یوسف عزیز خود بوده و بفرزندان آشنایان خود که در قحط و غلا و بی‌غذای هی سوختند چگونه از سوز عشق خود در فراق یوسف سخن می‌گفت با در نظر گرفتن این موضوعات توجه فرماید خواجه در تنسيق و تنظيم کلام خود از قبيل آوردن : دروازه - شاه راه - منزلگه دیدار - قحط وفا - عشق لولی - خریدار من آیا متأثر از داستان شورانگیز و دل گداز یوسف عزیز نبوده است ؟

[صفحه ۴۰ غزل ۵۶ بیت ۲۱]

فقر ظاهر میین که حافظ را سینه گنجینه محبت اوست
خواجه ادب فقر ظاهری خود را بگنجینه عظیمی که در صندوق سینم دارد
هستور می‌نماید و با آنهم نداری مادی باین هم دارایی معنوی خود می‌نازد وی

سینه گنجینه محبت اوست

در دیگر اشعار و ایيات اطیف خود سینه بلاکش خود را محل گنجینه بی پایان یعنی قرآن بزرگوار قلمدار کرده می گوید . «قرانی که اندر سینه داری» بعید بنظر نمی دهد که حافظ عزیز با آنهمه لطف بیان و تعبیرات ظرفی و لطیفی که دارد هر ادش از «گنجینه محبت» قرآن با عظمت باشد [نقل از صفحه ۵۵ رساله]

[صفحه ۴۹ غزل ۶۹ بیت ۱۲]

ای چنک فروبرده بخون دل حافظ
فکرت مگر از غیرت قرآن و خدا نیست
خواجه بزرگوار را دلی بر عشق و بر ذوق و سری پرشور و پروجداست که
در آن جز خدا چیزی و کسی منزل نگرفته است و اگر گویند که درین دل پاک است
که قرآن با عظمت محفوظ و عشق حضرت دوست مالامال است باز هم حق اینست که
گفته شود جز خدا در آن دل بی آلایش چیزی وجود ندارد چه عشق و قرآن نیز
پرتوی از رُخ زیبا و صورت بی صورت اوست که لازم و ملزم هماند همچنانکه نور
بی تشعشع نتواند بود جمال یار هم بی عشق نتواند بود [نقل از صفحه ۶۷ رساله]

[صفحه ۵۹ غزل ۸۵ بیت ۳]

بس که مافاتحه و حرزیمانی خواندیم وزیش سوره اخلاص دمیدیم و برفت
خواجه شوریدسر درین بیت شیوای خود از هسافت ممدوح سخن بیار
می آورد و در آن از سوره های مبارکه فاتحه الکتاب و توحید یا اخلاص یاد می کند
چنانچه از اخبار و احادیث اسلامی و مخصوصاً خاندان پاک و مطهر حضرت نبوت برمی آید
برای اینکه مسافری بسلامت و خوشی از سفر خود باز گردد و دیده بازماندگان را
روشن گرداند دستور داده اند که از بی آن سوره اخلاص یعنی توحید بخوانند و
بدمند و نیز برای حفظ او از حوادث سوء و پیش آمدهای ناگوار امر کرده اند که
سوره فاتحه الکتاب و حرزیمانی خوانند خواجه هم درین بیت لطیف خود همان
دستورها و اوامر عالی و مهمن را برای خواننده دیوان پر فتوحش یادآوری می نماید

(حرزیمانی ادعیه چند است حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم حضرت علی کرم اللہ وجوه برا بوقت سفر یمن تلقین و تعلیم فرموده بودند غیات اللغات) نقل از صفحه ۸ رساله []

[صفحه ۸۷ غزل ۱۲۷ بیت ۱۰]

حافظ اگر سجدہ تو کرد مکن هیب کافر عشق ای صنم گناه ندارد
 خواجه ادب درین بیت دل انگیز و نظر خود خطاب بمعشوق بی همتای خود
 می گوید اگر من عاشق دامخته و گرفتار تو بتو سجدہ هیا ورم و ترا از جان و دل
 هی پرستم مورد ملامت و سرزنشم قرار مده چه جز تو صنم و بتی زیبا برای پرستیدن
 ندارم در این گفتار بیدلانه خود از قران مجید و افکار عالی و عرف اسلامی هنائر گردیده
 است و کلمات سجده - کافر - صنم از مصطلحات اسلامی و قرآنی است توضیح اینکه
 کلمه صنم در قران مجید بصورت جمع آن «اصنام» بارها بکار رفته است

[نقل از صفحه ۹۶ رساله]

این بود نمونه بسیار محمل و هو جزی بوجه نهایت اختصار از جلد اول رساله
 که در آن تاغزیل شماره ۲۰۰ دیوان شورانگیز لسان الغیب تحقیق و تتبیع بعمل آمد
 نگارنده بیمقدار با نهایت شوق و غایت ذوق علاوه دارد که در استخراج بقیه تلمیحات
 وأشارات قرآنی دیوان فیض بخش و روح نواز خواجه ادب بکوشد و هم اکنون درین
 زمینه با دامنه مطالعه و تهیه و تدارک یادداشتها و تنظیم و ترتیب آنها مجاهدت می درزد
 امید است که بتوفیق پروردگار بزرگ ویکتای جهان که در تمام مراحل
 عمرش الطاف بی پایان و مرحم بیکران فوق تصور و انتظارش را همیشه شامل حال
 بنده مقصرش گردانیده است و بنده حقیر و ناچیزش بتقصیر اداء شکرش در نهایت عجز
 و ناتوانی اعتراف و چشم عفو و بخشش دارد بتواند هرچه زودتر این کار را بنحو مطلوب
 پایان رسازد و انجام دهد و جلد دوم آنرا نیز برای مطالعه علاقمندان آماده دارد
 انشاء اللہ تعالیٰ .